فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۲۹ – ۱۶۲

جریان‌شناسی گروه‌های نوسلفی سوریه بر اساس تحلیل گفتمان

سیدعبدالامیر نبوی[1]
استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
سیدعلی نجات[2]
دانش‌آموخته مطالعات منطقه‌ای و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۲۲ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۹۳/۰۶/۲۸

چکیده

جریان نوسلفی در خاورمیانه، با گفتمان خاص خود و ترکیبی ناهمگون، از ابتدای شکل‌گیری بحران سوریه به گونه‌ای فعال وارد آن شده و به‌مرور به یکی از بازیگران نقش‌آفرین، مؤثر و درعین‌حال خطرناک در معادلات سوریه تبدیل شده است. ازهمین‌رو، نوشتار حاضر با رویکرد تحلیل گفتمان و بهره‌گیری از روش تحلیلی ـ توصیفی سعی در پاسخ‌گویی به دو پرسش به هم پیوسته دارد. نخست، گروه‌های نوسلفی فعال در بحران سوریه کدام هستند و دوم این گروه‌ها چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟ فرضیه مقاله آن است که سازمان‌یافته‌ترین جریان نوسلفی‌گری در سوریه را «داعش» و «جیش الفتح» تشکیل می‌دهند. این گروه‌ها اهداف، دیدگاهای اعتقادی، انگیزه و خواسته‌های متفاوتی دارند. داعش هدف خود را تشکیل دولت اسلامی در سراسر سرزمین‌های اسلامی اعلام کرده است. سایر گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه نیز هدف خود را سرنگونی نظام سوریه و برپایی دولت اسلامی مطابق با اصول گفتمان نوسلفیسم در مناطق جغرافیایی سوریه معرفی کرده‌اند. همچنین، یافته‌های پژوهشی از این امر حکایت دارد که مجموعه اقداماتی از قبیل ترور، بمب‌گذاری، کشتار علویان وغیره که توسط گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه سازماندهی و اجرا می‌شود باعث تشدید و تداوم بحران و گسترش جنگ‌های طایفه‌ای و مذهبی و تسری آن به فراسوی مرزهای این کشور شده است.

واژه‌های کلیدی: سوریه، گفتمان، برجسته‌سازی، نوسلفیسم، داعش، جیش الفتح.

1. Nabavi@iscs.ac.ir
2. Sa.nejat@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

مقدمه

با وقوع انقلاب‌های عربی در خاورمیانه، جریان‌های اسلام‌گرای سلفی که سال‌ها مورد سرکوب قرار گرفته بودند و زمینه فعالیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از آنان سلب شده بود، به‌سرعت به‌عنوان بازیگرانی فعال در صحنه ظاهر شدند و در کنار سایر نیروهای سیاسی و اجتماعی به نوسازی تشکیلاتی خود پرداختند. در این میان، مهم‌ترین نمود و جلوه فعالیت نوسلفی‌ها به حوزه سوریه مربوط می‌شود. اسلام‌گرایان سلفی در این کشور که طی سال‌ها با برخورد دولت مواجه شده بودند، با وقوع تحولات و اعتراضات داخلی که با ورود بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به بحرانی در منطقه تبدیل شد، فرصت را مناسب تشخیص دادند و درصدد حضور در کشاکش سیاسی کشور برآمدند. در واقع، شروع بحران سوریه در مارس ۲۰۱۱ موجب شد جریان سلفی که سال‌ها در حاشیه بودند به صحنه بازگردد و با انگیزه‌های مذهبی و روحیه انقام‌جویی وارد درگیری با نظام سیاسی حاکم شود. علاوه بر آن، موج جدیدی از پیکارجویان سلفی خارجی روانه سوریه شدند و با تشکیل گروه‌های جهادی، معادلات میدانی را دچار تغییرات جدی کردند. در حال حاضر، با گذشت چهار سال از بحران سوریه، گروه‌های مختلف جهادی و سلفی داخلی و خارجی در نبردهای این کشور حضور پیدا کرده‌اند و نسبت به گروه‌های دیگر در برآوردها موفق به کسب موقعیتی ویژه شده‌اند. در واقع، با توجه به اختلاف‌های غرب و حامیان منطقه‌ای آنها با خط‌مشی سوریه، ائتلاف گسترده‌ای برای سرنگونی دولت بشار اسد ایجاد شده است. در این ائتلاف، کشورهایی همچون عربستان، قطر و ترکیه جنگی نیابتی برای سرنگونی اسد را از مجرای نوسلفی‌ها پیگیری کرده‌اند. کشورهای غربی نیز از یک سو به حمایت نوسلفی‌ها پرداخته‌اند، اما از سوی دیگر با توجه به تجربه پیدایی طالبان در افغانستان و نگرانی از خارج شدن سوریه از واپایش آنها و تبدیل آن به مردابی برای فعالیت نوسلفی‌های تروریست، تلاش کرده‌اند از قدرت‌یابی نهایی آنها جلوگیری کنند. البته غرب درعین‌حال، از نوسلفیسم برای تجزیه جهان اسلام و به‌ویژه ایجاد شکاف در میان سلفی‌ها و غیرسلفی‌ها از جمله شیعیان حمایت می‌کند (شریعتی، ۱۳۹۲: ۱۰۶). در حال حاضر، فعال‌ترین جریان نوسلفی‌گری در سوریه را گروه‌های «داعش» و «جیش الفتح» تشکیل می‌دهند. مجموعه اقداماتی که توسط این گروه‌های نوسلفی در سوریه سازماندهی و اجرا می‌شود باعث تشدید و تداوم بحران و گسترش جنگ‌های طایفه‌ای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

و مذهبی و تسری آن به فراسوی مرزهای این کشور شده است.

درباره پیشینه این موضوع می‌توان گفت حضور جریان‌های نوسلفی در سوریه مسئله جدیدی است و به همین دلیل، کتاب یا پژوهش مستقلی که به طور خاص بدین موضوع بپردازد، در دسترس نیست. ازهمین‌رو، مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیلی ـ توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی با تمرکز بر گروه‌های نوسلفی فعال در بحران سوریه و بررسی اندیشه‌های آنها بر اساس نظریه تحلیل گفتمان، پژوهشی نو به شمار می‌رود.

چهارچوب نظری؛ تحلیل گفتمان

مهم‌ترین کارکرد نظریه‌ها تبیین و توضیح رویدادها و پیش‌بینی آینده آن است. در این میان، گاه ممکن است یک رویداد هم‌زمان بر اساس چند نظریه قابل تبیین باشد. مباحث مربوط به سلفی‌گری را نیز می‌توان با نظریه‌های مختلفی تبیین کرد. در این میان، نظریه گفتمان ازآنجاکه ارتباط گزاره‌ها و چگونگی هم‌نشینی آنها را در کنار یکدیگر در یک ساختار زبانی توضیح می‌دهد و آن گزاره‌ها و نشانه‌های زبانی هم‌پیوند را صورت‌بندی می‌کند، به علاوه از نظر کارکردی نیز قادر است به‌عنوان گفتمان در ساختن فرد و فاعلان در سلسه مراتب قدرت نقش ایفا کند، ظرفیت تحلیل جریان نوسلفیسم را دارد. از سوی دیگر، نوسلفیسم یک جریان فکری، سیاسی و نظامی است. ازآنجاکه این جریان ویژگی‌های یک گفتمان را دارد، از این جهت نظریه «تحلیل گفتمان» از ظرفیت لازم برای تحلیل آن برخوردار است. نظریه گفتمان توان تبیین «برجسته‌سازی» و «دگرسازی» دارد که نوسلفی‌ها بر مبنای آن، جهان اسلام را تجزیه کرده‌اند.

گفتمان از جمله اصطلاحاتی است که با وجود کاربرد گسترده آن، توافق چندانی درباره فضا و سپهر معنایی آن وجود ندارد. از این واژه گاه برای اشاره به طرز تلقی، نگرش و در مجموع از اندیشه‌های یک فرد استفاده می‌شود و گاه به مجموعه‌ای منسجم از اندیشه‌ها اشاره دارد. یورگنسن و فیلیپس گفتمان را این‌گونه تعریف می‌کنند: «گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است». (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۷۹) فوکو نیز می‌نویسد: «ما مجموعه‌ای از احکام را تا زمانی که متعلق به صورت‌بندی گفتمانی مشترکی باشند، گفتمان می‌نامیم... [گفتمان] متشکل از تعداد محدودی از احکام است که می‌توان برای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

آنها مجموعه‌ای از شرایط وجودی را تعریف کرد». (سلطانی، ۱۳۸٤: ٤۰) گفتمان به مثابه یک چهارچوب اجتماعی ـ فکری از مجموعه‌ای از مفاهیم و عناصر تشکیل شده است که ارتباط معناداری با هم دارند. مهم‌ترین مفاهیم هر گفتمان عبارت‌اند از:

مفصل‌بندی:[1] عملی است که میان عناصر پراکنده در درون یک گفتمان ارتباط برقرار می‌کند، به‌نحوی‌که هویت این عناصر اصلاح و تعدیل شود. به تعبیر دیگر، مفصل‌بندی کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، رفتارها وغیره چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولی آن دگرگون شود و هویتی جدید بیابند (تاجیک، ۱۳۷۹: ٤٦). لاکلا و موفه نیز مفصل‌بندی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «ما هر عملی را که به برقراری رابطه بین عناصر منجر شود، به‌نحوی‌که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامیم». (لالکا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۰۵)

دال و مدلول:[2] دو مفهوم «دال و مدلول» در نظریه لاکلا و موفه نقش کلیدی دارند. دال‌ها اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چهارچوب‌های گفتمانی خاص بر معانی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که ما با دیدن آن دال مورد نظر برایمان معنا می‌شود (کسرایی و پوزش، ۱۳۸۸: ۳٤۳).

نقطه کانونی یا دال مرکزی:[3] این مفهوم را لاکلا و موفه از لاکان وام گرفته‌اند و به شخص، نماد، مفهوم یا نشانه‌ای که سایر نشانه‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، «دال مرکزی» می‌گویند. هسته مرکزی منظومه گفتمان را دال مرکزی تشکیل می‌دهد و نیروی جاذبه این هسته سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند و سامان می‌دهد. دال مرکزی به مثابه عمود خیمه است که اگر برداشته شود، خیمه فرو می‌ریزد (خلجی، ۱۳۸٦: ٥٤).

عناصر یا دال‌های شناور:[4] عناصر، دال‌ها و نشانه‌هایی که معنای آنها تثبیت نشده است و گفتمان‌های مختلف سعی در معنادهی به آنها دارند (کسرایی و پوزش، ۱۳۸۸: ۳٤٤). عناصر نشانه‌هایی هستند که در حوزه گفتمان‌گویی قرار دارند و دارای چندگانگی معنایی هستند. گفتمان‌های مختلف هرکدام در تلاش هستند تا این عناصر را در درون نظام معنایی خود

1. Articulation
2. Signifier & Signified
3. Nodal point
4. Floating signifiers

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.20286/priw-0404129]

تبدیل به وقته کنند. در این حالت، نوعی انسداد در معنای نشانه حاصل می‌شود و مانع از نوسانات معنایی آن می‌شود، اما این انسداد و انجماد به هیچ وجه دائمی نبوده و انتقال از حالت عنصر به وقته هیچ‌گاه کاملاً صورت نمی‌پذیرد و به این ترتیب، گفتمان‌ها هیچ‌گاه صد در صد تثبیت نمی‌شوند به گونه‌ای که امکان هرگونه تغییر و دگرگونی معنایی تحت تأثیر چندگانگی معنایی حوزه گفتمان‌گویی از آنها سلب شود. این ویژگی نشانه‌ها موجب می‌شود که به آنها دال شناور گفته شود.

ضدیت، غیریت: فهم نظریه گفتمان بدون فهم مفاهیم «ضدیت»[1] و «غیریت»[2] ناممکن است. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. روز را تنها در تعارض با شب می‌توان درک کرد. پس هویت روز به شب وابسته است و برعکس. هویت تمام گفتمان‌ها منوط و مشروط به وجود غیر است. ازاین‌رو گفتمان‌ها همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند (کسرایی و پوزش، ۱۳۸۸: ۳۷٤).

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی: مفهوم غیریت در ذات خود با مفاهیم «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» همراه است. این دو مفهوم به اشکال مختلف در عرصهٔ منازعات گفتمانی ظاهر می‌شوند. حاشیه‌رانی نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب و برجسته‌سازی نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب از آن جمله است (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱٦۸). به تعبیر دیگر برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، سازوکاری برای تقویت خود و تضعیف غیر است. گفتمان‌ها بسته به شرایط و امکاناتی که در اختیار دارند، از شیوه‌های مختلفی برای برجسته‌سازی خود و حاشیه‌رانی غیر بهره می‌گیرند. ترور شخصیت‌ها، رسانه‌های جمعی، فضاهای مجازی و اینترنت از جمله توییتر وغیره همگی ابزارهایی برای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی هستند.

زنجیره هم‌ارزی و تفاوت:[3] گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم‌ارزی، تفاوت‌های موجود در میان عناصر را از بین می‌برند و به‌نوعی وحدت و انسجام میان آنها کمک می‌کنند. در این معنا، عناصر خصلت‌های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند، منحل می‌شوند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

1. Antagonism
2. Otherness
3. Chain of equivalenc and difference

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.20286/priw-0404129]

رقابت:[1] گفتمان‌ها همواره غیر را به حاشیه می‌رانند و خود را برجسته می‌کنند. اما حاشیه‌رانی غیر هر اندازه شدید باشد، نمی‌تواند رقیب را به طور کامل از صحنه چالش و رقابت حذف کند. بنابراین، همیشه امکان بازسازی و «بازگشت سرکوب‌شدگان» وجود دارد. توجه به این نکته نیز ضروری است که غیریت‌سازی طیفی از مفاهیم را از رقابت تا دشمنی و سرکوب خشونت‌بار دربرمی‌گیرد. بنابراین، رابطه خود و دیگری همیشه خصمانه نیست (کسرایی و پوزش، ۱۳۸۸: ۳۴۹).

هژمونی:[2] یک گفتمان زمانی هژمونیک می‌شود که توانسته باشد تمام دال‌های شناور را در اطراف دال مرکزی هماهنگ و منسجم کند و نظام معنایی خود را در اذهان سوژه‌ها (انسان‌ها) هرچند به صورت موقت تثبیت کرده باشد. درصورتی‌که گفتمان رقیب بتواند به کمک سازوکارهای مختلف، این نظام معنایی را شالوده‌شکنی کند و ساختارهای معنایی شکل گرفته در ذهنیت جمعی مردم را درهم بریزد، آن‌گاه این گفتمان هژمونی خود را از دست می‌دهد. بنابراین، موفقیت گروه‌های سیاسی به توانایی آنها برای تولید معنا بستگی دارد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۸).

به‌طور خلاصه گفتمان‌ها مفصل‌بندی مجموعه‌ای منسجم از افراد، مفاهیم و واژگان هستند که حول یک دال برتر قرار می‌گیرند و به زندگی انسان معنا می‌بخشند. بر این اساس، نوسلفیسم نیز یک گفتمان است و مؤلفه‌های آن را دارد. صورت‌بندی گفتمان نوسلفی بر دال‌هایی مانند «احیای خلافت اسلامی»، «جهاد»، «دارالحرب و دارالاسلام»، «تکفیر»، «مبارزه با عقل» و مانند آن استوار است. بر اساس این مفاهیم و اصول فکری که برگرفته از اندیشه‌ها و فتوای علما و متفکرانی نظیر ابن تیمیه، سید قطب و ابوبکر ناجی است، این جریان به‌راحتی حکم مبارزه و جهاد علیه حاکم و حکومت موجود می‌دهد که به غیر از آنچه خدا نازل کرده حکومت می‌کنند. در همین راستا، احکام و فتاوایی که گروه‌های داعش و سایر گروه‌های وابسته به القاعده از جمله جبهه‌النصره علیه سایر فرقه‌ها صادر می‌کنند، برگرفته و اثر پذیرفته از اصول و مفاهیم یادشده است. در گفتمان نوسلفیسم، دایره تکفیر نیز گسترش یافته و بخش عمده‌ای از گروه‌های نوسلفی حول نقطه گره‌ای سلبی «دگرشیعی» خود را سازماندهی کرده‌اند.

1. Adversary
2. Hegmony

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.20286/priw-0404129]

تبارشناسی گفتمان نوسلفی‌گری

مفهوم و معنای واژه «سلف» در گفتمان نوسلفیسم نقش اساسی دارد و به مثابه کانون و محور آن شمرده می‌شود. درباره ریشه و تعریف لغوی سلف اختلاف نظری وجود ندارد، اما درباره مدلول سلف مشاجره زیادی وجود دارد. به تعبیر دیگر، تبیین واژه «سلف» از دیدگاه‌های معناشناسی و از دو منظر معنای متنی و معنای زمینه‌ای بیشترین سوءتفاهم را در طی تاریخ اسلامی ایجاد کرده و منشأ ظهور جریان‌های متعددی شده است (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۳۲). بر اساس چنین تفکیکی میان دو گونه معنا، بحث سلف‌گرایی از یک سو با جهت‌گیری معنا تبیین و از سوی دیگر با جهت‌گیری معنایی مورد تفسیر قرار گرفته است.

سلف در لغت به معنای پیشین است و «سَلَفَ، یَسلِفُ، سَلفاً و سلوفاً» نیز صیغه‌های صرفی و مصدر «پیشی گرفتن است»، پس سلف کسانی هستند که در گذشته بوده‌اند، اما معنای اصطلاحی سلف در بدعتی ریشه دارد که ابن تیمیه در قرن هفتم ایجاد کرد. وی برخلاف گذشتگان، آن را در معنایی به کار برد که تا آن زمان اندیشمندان اسلامی چنین معنایی را درباره سلف مطرح نکرده بودند. در واقع، مهم‌ترین بدعتی که ابن تیمیه و سپس سلفیان پس از وی بنیان نهادند، گسترش منابع تشریع به صحابه، تابعین و تابعین تابعین بود (علی‌زاده موسوی، ۱۳۹۱: ۳۰). مهم‌ترین دلیلی که سلفیان برای مشروعیت سلف ارائه کرده‌اند، حدیثی منسوب به رسول خدا (ص) استدلال می‌کنند که فرمود: «خیر القرون قرنی، ثم‌الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم... بهترین امت من کسانی هستند که هم عصر من هستند، بعد آنها که بعد از اینها می‌آیند و بعد آنها که بعدتر می‌آیند». سلفی‌ها با استناد به این حدیث که می‌گویند در فهم و تفسیر دین فقط همین سه نسل که پیامبر فرموده‌اند، اصیل است و ما باید تنها به آنها مراجعه کنیم (زاهدی،۱۳۹۱: ۹). زیرا فهم آنان (قرون مفضله) مقیاس حق و باطل است. سلفی‌ها همچنین پایه‌های اساسی اسلام را قرآن، سنت پیامبر و شیوه اسلاف صالح می‌دانند.

بدون تردید، فهم گفتمان نوسلفیسم بدون شناخت سلفیسم امکان‌پذیر نیست. شکل‌گیری گفتمان سلفی‌گری که برخی آن را گونه‌ای از بنیادگرایی نوین می‌دانند، از مهم‌ترین رویدادهای فکری در تاریخ اسلام به شمار می‌آید. شناخت سلفی‌گری از یک طرف مبانی و تاریخچه آن را روشن می‌کند و از طرف دیگر، با شناخت سلفی‌گری کلاسیک وجوه تمایز و تفاوت نوسلفیسم با آن بهتر قابل درک است (شریعتی، ۱۳۹۲: ۸۲).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

معتقدان به سلف صالح عقاید خود را به احمد بن حنبل (-۲٤۱ ۱٦٤ ق) نسبت می‌دادند. وی به‌عنوان محدثی برجسته و پیرو طریقه اصحاب حدیث با هرگونه روش تأویلی و تفسیر متون مخالف بود و با بزرگان اصحاب رأی سر ناسازگاری داشت (علی‌زاده موسوی، ۱۳۹۱: ۱۸۸). از نظر وی، وحی بر عقل برتری دارد و متن مقدس با عقل تعارضی ندارد. وی تأویل را رد می‌کند و مباحث کلامی مطرح در میان فرق را بدعت می‌داند. از نظر او مرجع موثق فقط قرآن و سنت نبوی است و باید از سنت و اجماع تبعیت کرد (هوشنگی،۱۳۹۰: ٤۹۰). در هر صورت، برآمدن کسانی چون احمد بن حنبل در محافل اصحاب اهل حدیث، آغازی برای یک چرخش تند به سوی بدوی‌سازی آموزه‌ها و دوری گزیدن از گفتمان عصری بود (پاکتچی،۱۳۹۰: ۷۰). در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم نیز احمد بن تیمیه و سپس شاگردش ابن قیم جوزی عقاید حنابله را به گونه‌ای افراطی‌تر احیا کردند.

ابن تیمیه حرانی (۱۲٦۳ - ۱۳۲۸) عالم حنبلی دمشق.، شخصیتی محوری در تاریخ سلف‌گرایی است که می‌تواند به‌عنوان نخستین چهره در موج دوم سلفیه شناخته شود. وی مهم‌ترین احیاکننده سنت و روش احمد بن حنبل به شمار می آید (افتخاری،۱۳۹۰: ۳۷۰). از جمله اعتقادات ابن تیمیه می‌توان به منع زیارت قبور پیشوایان دینی، عدم جواز ساختن گنبد برای آنان و لزوم ویران کردن آنها، منع توسل به پیامبر(ص) و ائمه(س) و مقدسات و طلب شفاعت از آنها، منع سوگند به غیر خدا و کافر و مشرک دانستن عاملان این عقاید به‌ویژه شیعیان، مخالفت کردن با عقل، فلسفه و تشیع و تصوف در هر شکل آن، تکیه کردن بر ظواهر قرآن و حدیث و اثبات جهت برای خداوند و معتقد بودن به رویت او، بازگشت به سنت پیامبر(ص) و عمل سلف یعنی صحابه و تابعین اشاره کرد (موثقی، ۱۳۸٦: ۱۵۸). با مرگ ابن تیمیه، ابن قیم اندیشه پراکنده استادش را نظام‌مند کرد و اصول سلفی‌گری اعتقادی را که تا آن زمان به صورت پراکنده بیان شده بود، مدون کرد (علی‌زاده موسوی، ۱۳۹۱: ۲۸۳). بااین‌حال، بعد از ابن قیم سلفی‌گری در عرصه اعتقادات عملاً به فراموشی سپرده شد.

به هر ترتیب، جریان فکری که با شعار احیای دین و پیروی از سلف صالحین به وسیله احمد بن حنبل و بعد از چند قرن، توسط ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم ترویج و گسترش یافت، در سده گذشته توسط محمد بن عبدالوهاب به‌عنوان یک مذهب و شیوه خاص در جامعه پیاده شد. محمد بن عبدالوهاب یکی از عالمان حنبلی قرن دوازدهم است که مسلک وهابیت را پایه‌گذاری کرد. او با طرح مجدد ادعای بازگشت به اسلام اصیل، اندیشه پیروی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.20286/priw-0404129]

از سلف صالح را بار دیگر به عرصه منازعات کلامی آورد. او با استناد به «بدأ الاسلام غریبا و سیعود غریبا» معتقد بود که اسلام اصل نخستین را در غربت یافته است؛ ازاین‌رو، وی با آنچه خود آن را بدعت و خلاف توحید می‌خواند، به مبارزه برخاست و مسلمانان را به‌سادگی اولیه دین و پیروی از سلف صالح دعوت می‌کرد و مظهر بارز سلف صالح او نیز امام احمد بن حنبل بود (واعظی، ۱۳۹۰: ۳٦۸).

امرای سعودی نجد که حنبلی مذهب بودند، به آیین محمدبن عبدالوهاب گرویدند. با گذر زمان نیز پیروان وی بر نجد و حجاز تسلط یافتند و دولت سعودی کنونی را تشکیل دادند. اما علاوه بر سرزمین حجاز و شبه قاره هند، مصر نیز از تغییر و تحولات عقیدتی برکنار نماند. رشید رضا شاگرد شیخ محمد عبده از هواداران بازگشت به سلف و مروج سلفی‌گری در مصر بود و حسن البنا بنیان‌گذار جنبش اخوان المسلمین هم تحت تأثیر گرایش‌های سلفیه رشید رضا قرار گرفت. حسن البنا که از عبده تأثیر پذیرفته بود در سال ۱۹۲۸ در مصر، اخوان المسلمین، نخستین جنبش سیاسی ـ اسلامی مدرن را پایه‌گذاری کرد. البنا در پی آن بود که مسلمانان را در برابر سلطه سیاسی ـ فرهنگی غرب متحد سازد. وی در رساله الجهاد خود مبانی بازتفسیر جهاد به‌عنوان جنگ نامنظم را بنا نهاد. این رساله حسن البنا منبع اصلی جهت‌گیری جهادگرایان معاصر است (طیبی، ۱۳۸۹: ۱۲٦). با مرگ زودهنگام حسن البنا بخشی از اخوان تحت تأثیر اندیشه‌های دو شخصیت؛ یعنی، ابوالاعلی مودودی و سید قطب قرار گرفت و آنان ضمن تثبیت روش پایبندی به متن‌های دینی بر اساس دیدگاه‌های خاص خود، دیدگاه تکفیر را پی‌ریزی کردند.

پس از رشید رضا، سید قطب (۱۹٦٦ – ۱۹۰٦) را باید مهم‌ترین و اثرگذارترین چهره اسلام سنی در دوره معاصر خواند که تأثیراتی کاملاً متفاوت را در حوزه سلفی‌گری بر پیروان متعدد و متنوع خود گذارده است. وی نخستین پرچم‌دار سلفیه انقلابی (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۷۵) و کسی بود که سلفیه جدید را جانشین سلفیه قدیم کرد. سید قطب نظریه‌پردازی بود که بحث به‌کارگیری خشونت را در سلفیه مدرن پایه‌گذاری کرد. در واقع، دیدگاه وی باعث افراطی شدن بخشی از سلفی‌ها در مصر و انشعاب در جنبش اخوان المسلمین شد. سید قطب با توجه به آموزه ابن‌تیمیه درباره جهاد علیه حاکمان مرتد، مبارزه علیه رژیم‌های سکولار در جهان اسلام، حتی به قیمت کشتن مسلمانان را تجویز می‌کرد. سید قطب همچنین از ابوالاعلی مودودی تأثیر پذیرفته بود (احمدی، ۱۳۹۰: ٦۹).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

یکی دیگر از متفکران جهان اسلام که آرا و اندیشه‌های او الگوی جریان‌های اسلامی معاصر بوده و تأثیرات انکارناپذیری بر روند فکری جریان‌های نوسلفیسم داشته، ابوالاعلی مودودی پاکستانی (۱۹۰۳-۱۹۷۹) است. شاخص اندیشه وی عنصر «جهاد» است. در منطق مودودی، جهاد بر تمام عبادات مقدم است و مؤمن واقعی از غیر آن، با میزان التزام و اقدامش در «جهاد» تمییز داده می‌شود (محمودیان، ۱۳۹۱: ۹۷).

«عبدالسلام فرج» نظریه‌پرداز گروه جهاد اسلامی مصر را نیز مفسر «جهاد» به معنای واقعی کلمه می‌دانند. در واقع، وی پیام سید قطب را به استراتژی مبارزه امروزی جریان‌های نوسلفی تبدیل کرد. اثر مشهور وی الفریضه الغائبه (واجب پنهان شده) نام دارد که در واقع چیزی بیش از یک دست‌کاری ساده پاراگراف‌های کتاب ابن تیمیه، برای قابل فهم‌تر کردن آن برای مردم نبوده است (کپل، ۱۳۷۵: ۲۳۹). به‌طورکلی، کتاب عبدالسلام فرج به شکل مشخص به نظریه‌پردازی درباره عملکرد مسلحانه پرداخته است (الشیشانی، ۲۰۰۵)، به همین دلیل، این کتاب به‌عنوان مانیفستی در فراروی گروه‌های سلفی دهه ۸۰ قرن گذشته مصر و بعد از آن قرار گرفت.

گروه‌هایی نظیر سازمان آزادی‌بخش اسلامی (منظمه التحریر الاسلامی) به رهبری صالح سریه، گروه جماعه المسلمین (معروف به التکفیر و الهجره) به رهبری شکری مصطفی، سازمان جهاد اسلامی به رهبری عبدالسلام فرج و سرانجام گروه جماعه الاسلامیه، همگی گروه‌های مخفی مسلحی بودند که در میان دانشگاه‌های مصر و سایر عرصه‌های اجتماعی، به کادرسازی و آموزش نظامی اعضای خود مشغول بودند (احمدی، ۱۳۸٤: ٤۳).

سازمان الجهاد از جمله گروه‌های تکفیری است که با الهام از اندیشه‌های سید قطب در سال ۱۹۷۹ به وسیله عبدالسلام فرج پایه‌گذاری شد. فرج با استناد به برخی فتاوای فقهی علمای گذشته از جمله ابن تیمیه زبان به تکفیر حکومت گشود و بر ضرورت قیام علیه حاکم تأکید کرد. وی فتوای ابن تیمیه مبنی بر اینکه تاتارها، با وجود اینکه مسلمانی خود را اعلام کرده‌اند، مرتدند و قیام علیه آنان و کشتن آنان واجب است را بر اوضاع حاکم بر مصر و نظام حکومتی آن منطبق دانست (مصطفی، ۱۳۸۲: ١٦٦).

سرانجام سازمان جهاد در اکتبر ۱۹۸۱ انور سادات را ترور کرد. خالد اسلامبولی، از اعضای این گروه، بنا به فتوای شیخ عمر عبدالرحمن سادات را ترور کرد و فریاد زد: «من خالد اسلامبولی هستم، فرعون مصر را کشتم و از مرگ باکی ندارم». (هیکل، ۱۳۸۳: ۳٦۱) در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

اهمیت اندیشه عبدالسلام فرج همین بس که اشاره کنیم کتاب او، اساس‌نامه گروه «الناجون من النار» شد که خلف بی‌واسطه گروه الجهاد است. این گروه در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰، شخصیت‌های برجسته حکومتی را ترور کرد (نبوی، ۱۳۸٤: ۱۷۸). «فرج» سرانجام، به علت مشارکت در ترور انور سادات در سال ۱۹۸۲ اعدام شد.

علاوه بر سازمان الجهاد، سازمان القاعده که اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط اسامه بن لادن و همراهانش شکل گرفت، نمادی از اصول‌گرایی افراطی اسلامی محسوب می‌شود که با رویکردهای نوسلفی، مسلمانان جهان را به احیای فریضه جهاد برای مبارزه با کفار و مشرکان فراخواند که هدف غایی آن احیای خلافت اسلامی و بازگرداندن عظمت گذشته مسلمان است. ایمن الظواهری به‌عنوان نظریه‌پرداز القاعده اهداف جنبش بنیادگرای انقلابی را چنین بر می‌شمارد: ابتدا، رسیدن به یک همبستگی و سازمان ایدئولوژیک، سپس جنگ با رژیم‌های فعلی جهان اسلام و سپس تأسیس یک حکومت اسلامی ناب در قلب جهان عرب. از نظر الظواهری، «جهاد» جنگی انقلابی و جهانی است که باید از طریق خشونت، اقدام سیاسی و تبلیغات علیه رژیم‌های سکولار و نخبگان سکولار جهان اسلام صورت گیرد (عطوان، ۱۳۹۱: ۹۱-۹۵).

ابوبکر ناجی نیز یکی از چهره‌های اسرارآمیز «نوسلفی‌ها» و از نظریه‌پردازان جدید این جریان است. کتاب وی بین سیاست‌گذاران و طراحان استراتژی داعش بیشترین تأثیر را داشته و حکم کتاب مقدس را دارد. ابوبکر ناجی در کتاب سال ۲۰۰٤ خود با عنوان مدیریت توحش، تاریخ مختصری از جنگ جهانی اول ارائه می‌دهد و دلیل می‌آورد که چرا مرزهای فعلی خاورمیانه باید محو شود. بخش اعظم کتاب وی شرحی در باب هنر جنگ، اداره، سازماندهی و زدودن تردید نیروها در اعمال خشونت است. ناجی بهترین شیوه‌های جنگی برای گسترش قلمروی «خلافت» را در ابتدا خشونت و توحش فراوان، ارعاب سربازان دشمن و تبلیغات و جنگ روانی معرفی می‌کند. از نظر وی، مدیریت وحشی‌گری مرحله‌ای است که در آن کشورها در حال فروپاشی هستند و دولت‌ها قادر به کنترل سایر نیروهای دیگر نیستند. در این مرحله است که سلفیه جهادی به‌منظور برآورده کردن نیازهای مردم و برقراری عدالت و استقرار امنیت مرزها وغیره وارد می‌شود (ناجی، ۲۰۰٤: ۱۷). ناجی معتقد است که «جهاد از مهم‌ترین راه‌های هدایت خلق است. جهادی که همراه با شدت، ترور و کشتار وسیع باشد». وی ریختن خون صلیبیون، همکاران آنها، مرتدان و کافران و نیروهای‌شان را از واجبات بسیار مهم می‌داند. وی می‌گوید: «ما در حال حاضر در شرایط مشابه ارتداد یا آغاز

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

جهاد هستیم؛ بنابراین، کشتار وسیع همانند آنچه در مقابل بنی‌قریظه انجام شد از جمله قتل و غارت نیازمند هستیم». (ناجی، ۲۰۰٤: ۳۳-۳۱)

از دیگر نظریه‌پردازان جدید جریان‌های نوسلفی «عبدالله بن محمد» است. وی در سال ۲۰۱۱ میلادی یعنی هم‌زمان با آغاز تحرکات جدید گروه‌های نوسلفی در کشورهای عربی کتاب یادداشت استراتژیک را نوشت و در آن تأکید کرد که به دنبال تأسیس مجدد و احیای پروژه «خلافت اسلامی» است. بن محمد در کتاب خود به تشریح استراتژی گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال برای ایجاد خلافت اسلامی در شام و یمن پرداخته است. عبدالله بن محمد در کتاب خود آورده است: «سناریوی مورد انتظار در منطقه عربی به سمت حالتی از اختلال، نگرانی‌های فزاینده و هرج‌ومرج فراگیر می‌رود که به نوبه خود به فقر (گرسنگی) و مهاجرت‌های گروهی منجر خواهد شد. در چنین حالتی مردم در جست‌وجوی مهم‌ترین خدمت یعنی «امنیت» هستند و تابع کسی خواهند بود که امنیت را برای آنان تأمین خواهد کرد. پس کار با فراهم ساختن امنیت همچون کالای اساسی آغاز می‌شود که «مجاهدین» می‌توانند آن را تقدیم کنند. بنابراین، مسائل پیشرفته‌تر می‌شود و اینجا است که نقش ما آغاز می‌شود». (بن‌محمد، ۲۰۱٤: ۷۱) این منطق با دعوت ابوبکر ناجی، مبنی بر به وحشت انداختن جوامع از طریق بالا بردن نسبت خشونت و هرج‌ومرج، جهت تجدید ساختار آنها بر اساس روش جهادی تکامل می‌یابد. بر طبق این نظریه، گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه از جمله داعش و جیش الفتح از وضعیت هرج‌ومرج و نفرت و حیله‌گری در استان‌های سوریه و کشتار گروه‌های مسلح در سوریه سوءاستفاده کرده و خود را به‌عنوان نجات‌دهنده و حامی جا زده و سلطه و سیطره خود را بر مساحت ده‌ها هزار کیلومتر مربع از جغرافیای سوریه گسترانده‌اند (خواجه، ۲۰۱٤: ۸۸).

به‌طور خلاصه، می‌توان در تکوین سلفی‌گری پنج مرحله را ذکر کرد. مرحله نخست که مفصل‌بندی نظری این اندیشه خوانده می‌شود، توسط ابن تیمیه و تحت نفوذ تعالیم احمد بن حنبل در قرن هفتم و هشتم هجری شکل گرفت. مرحله دوم تطبیق و اجرا بود که توسط محمد بن عبدالوهاب و جانشینان وی در اواسط قرن دوازده و اوایل قرن سیزده هجری و در محیط محدود حجاز به آزمایش درآمد. مرحله سوم تبدیل آن به یک نحله نیرومند و اثرگذار در سراسر جهان اسلام از هند و پاکستان در آسیا گرفته تا مصر و الجزایر در افریقا بود که

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.20286/priw-0404129]

از جنگ جهانی اول به بعد و تحت حمایت مالی عربستان آغاز شد. مرحله چهارم تبدیل اندیشه سلفی به یک ایدئولوژی انقلابی در قرن بیستم و ظهور پدیده گروه‌های سلفی سیاسی و جهادی در کشورهای مختلف است. این مرحله بیش از همه متأثر از افکار سید قطب است. مرحله پنجم تحولات پس از سقوط گروه طالبان در افغانستان و دقیق‌تر، وقوع جنبش بیداری در منطقه خاورمیانه عربی و شمال افریقا است. مرحله جدیدی که می‌توان آن را عصر «نوسلفیسم» نامید (شریعتی، ۱۳۹۲: ۸۹). عصر «نوسلفیسم» ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از دوره‌های قبلی متمایز می‌کند. این دوره نیز متأثر از افکار نظریه‌پردازان نسل جدید از جمله ابوبکر ناجی و عبدالله بن محمد است.

زمینه‌شناسی تکوین گفتمان نوسلفیسم

در سه دهه اخیر، پنج حادثه مهم بر حیات سیاسی سلفیون و رودررویی آنها با حکومت‌های عربی تأثیرگذار بوده است. عامل نخست خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان و بازگشت مبارزان سلفی موسوم به افغان العرب به کشورهای خود موجب شد تا در دهه ۱۹۹۰ در برخی از کشورهای اسلامی مثل مصر، الجزایر و عربستان درگیری‌های خونینی بین سلفی‌ها و دولت‌های عربی صورت گیرد، اما این درگیری‌ها به سرکوب سلفی‌های جهادی و تکفیری انجامید. دومین عامل اشغال کویت و ورود سربازان امریکایی به سواحل جنوبی خلیج فارس برای جنگ با عراق بود که علمای سلفی را به سوی صدور فتاوی تحریم استعانت از کفار برای جنگ با مسلمانان سوق داد و موجب ایجاد یک جریان قوی معارض در جزیره العرب شد. سومین عامل حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حضور پانزده تبعه سعودی در میان نوزده متهم حمله به برج‌های دوقلوی نیویورک بود که روابط عربستان و امریکا را دستخوش تحول کرد. امریکایی‌ها نظام آموزشی سعودی را در پدید آمدن جریان افراطی سلفی مقصر دانستند و دولت سعودی را متهم به مماشات با تندروهای سلفی کردند و خواستار اصلاح نظام آموزشی مدارس دینی و دانشگاه‌های اسلامی سعودی شدند. چهارمین عامل اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ بود. این عامل زمینه جدیدی را برای سلفی‌های رادیکال برای مبارزه علیه کفار (امریکا) و اهل بدعت (شیعیان عراق) ایجاد کرد. گفته می‌شود دستگاه امنیتی عربستان که همواره ارتباط مشکوکی با تندروهای سلفی داشته است، از این اهرم برای ضربه زدن به

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

ساختار جدید عراق و شیعیان استفاده کرده است. دخیل بودن عربستان در ناامنی‌های عراق موجب شده است تا یازده سال پس از سرنگونی صدام، کماکان روابط رسمی و دیپلماتیک روابط عراق و عربستان قطع باشد (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۷۳). پنجمین عاملی که باعث شکل‌گیری زمینه جدید برای گفتمان نوسلفیسم بود، تحولات اخیر خاورمیانه و شمال افریقا بوده است. در واقع، جنبش بیداری عربی نقطه عطفی در تاریخ تکوین نوسلفی‌گری محسوب می‌شود. سقوط دیکتاتورهای منطقه فرصت ایده‌آلی را برای نوسلفی‌ها مهیا کرده است در همین راستا، گفتمان نوسلفی فعالانه‌ترین موضع را در قبال بیداری عربی اخذ کرده است.

مؤلفه‌های گفتمان نوسلفیسم

گفتمان نوسلفیسم جریانی است که بر مبنای مؤلفه‌های سلفیسم و تفاسیر جدید از برخی اصول و مؤلفه‌های آن بازتولید شده است. این جریان جدید از نظر زمانی پس از شکست دولت طالبان در افغانستان بازتولید شده است و بر اساس شرایط جدید، فعالیت خود را گسترش داده است (شریعتی، ۱۳۹۲: ۸۲). اگرچه از حیث شناخت‌شناسی و روش‌شناسی تفاوت چندانی میان سلفی‌های کلاسیک و نوین وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد سلفیه جدید بیشتر به رادیکالیسم تمایل یافته یا حداقل به اعتبار استعداد درونی خود چنین تمایلاتی را دارد، به گونه‌ای که بیشتر اقدامات افراط‌گرایانه و خشونت‌آمیز امروزه با عنوان سلفیه جدید شناخته شده است (فیرحی، ۱۳۹۰: ۷۸). سلفی‌ها روش‌شناسی ویژه‌ای برای جست‌وجو و فهم درست دین به تعبیر خود دارند. به نظر آنها تنها روش برای تشخیص تفسیر درست شریعت، ابتناتی این تفسیر بر قرآن، سنت سیره مسلمانان سلف است. به‌طورکلی، وجه تمایز سلفی‌های جدید با قدیم، تعریف خاصی است که نوسلفیان از مفهوم «بدعت»، تقابل سنت و بدعت و سرانجام میل به تکفیر غیر مسلمانان از مسلمانان دارند. ویژگی‌های خاص روش شناختی نوسلفیان در دو عرصه نظری و عملی به شرح زیر است:

۱. اصول نظری

الف) تزکیه، توحید در مقابل شرک؛

ب) تقدم نقل بر عقل؛

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

ج) رد تأویل کتاب و سنت (أننا لو فتحنا باب التأویل لانهدم الدین)؛
د) فراوانی استناد به آیه و حدیث؛
هـ) اتباع در مقابل ابتداع/ بدعت.

۲. اصول عملی

منظور از اصول عملی، قضایای کلی است که راهنمای بنیادین (عمل) در زندگی سیاسی هستند و مبنای تصمیم‌ها، مواضع و اقدام سیاسی ـ مذهبی سلفیه قرار گرفته‌اند. دو اصل زیر مهم‌ترین شاخص‌های عمل سلفی هستند:

الف) برخی جریان‌های سلفی، «دعوت» یعنی امر به معروف و نهی از منکر را مبنای عمل خود قرار داده‌اند. آنها مهم‌ترین معروف را «توحید» و خروج از شرک می‌دانند.

ب) برعکس برخی دیگر از سلفی‌ها، «جهاد» را اساس اسلام می‌دانند و «پرچم» جهاد را با این فرض که همه سعی مسلمانان باید معطوف به جهاد باشد، برافراشته‌اند. این گروه از نوسلفی‌ها، امروزه به نام اسلام جهادی، «تکفیری‌ها» یا در اصطلاح غربی‌ها «اسلام رادیکال» خوانده می‌شوند (فیرحی،۱۳۹۰: ۸۰-۸۱). نوسلفیان با حفظ اصول نظری و عملی سلفیه قدیم، تعبیر تازه‌ای از این اصول دارند که از حیث عمل سیاسی به نتیجه متفاوتی منجر شده است. مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از:

اتباع در مقابل تقلید

در اندیشه سلفیه قدیم واژه «اتباع» به معنای تبعیت و اولویت دادن به نص بود و در مقابل واژه «ابتداع» یعنی بدعت قرار داشت که ناظر بر عقل‌گرایی یا هر تفسیر رها از نصوص دینی و مبتنی بر مکاتب فلسفی یا غیر فلسفی دوره میانه اسلامی بود. اما اتباع در سلفیه قدیم «اتباع جهادی» بود؛ یعنی این‌که این مجتهد بود که روش استنباط مبتنی بر منطق استنباط را برای حکم شرعی به کار می‌بست و عامه مسلمانان از فتوای شرعی او که شریعت‌شناسی متخصص بود، تقلید می‌کردند. بنابراین، قدمای سلفیه اتباع را به وساطت فقیه/ مجتهد و فهم اجتهادی او در زندگی سیاسی جاری می‌کردند. اما سلفیه جدید «اتباع» را نه در مقابل تفاسیر رها از نصوص دینی، بلکه در برابر تقلید از مجتهد قرار می‌دهند. به نظر سلفیه جدید، حقیقت یا

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

احکام عملی دین درست را باید از منابع و نصوص اصلی دین و متن‌های مقدس جست‌وجو کرد نه از کتاب‌هایی که فقیهان نگاشته‌اند. این روش‌شناسی که توجیه «ضرورت بازگشت بی‌واسطه به قرآن» شروع و تقویت شده است، در ذات خود مولد «رادیکالیسم» اسلامی در درون و بیرون جهان اسلام بوده است (شریعتی، ۱۳۹۲: ۹۲).

تأکید بر نقل‌گرایی و عقل‌گریزی

مهم‌ترین اصل معرفت‌شناسی سلفی‌گرایی «نقل‌گرایی» است. یعنی ترجیح نقل بر عقل است. بر اساس این اصل معرفت‌شناسی، مراجعه مستقیم به نصوص دینی و سنت مهم‌ترین راهکار سلفی‌ها برای دستیابی به حقیقت دینی است. به نظر آنها، کاربرد عقل در فهم و استنباط احکام الهی موضوعیت ندارد و نقل در حیات انسانیت کفایت می‌کند. در نزد سلفی‌ها، نقل‌گرایی آن چنان دارای اهمیت است که میزان تدین و خلوص ایمان افراد با معیار نقل‌گرایی سنجیده می‌شود. به گمان آنها، عقل در شئون دینی فاقد صلاحیت است (شریعتی، ۱۳۹۲: ۹٤). هرچه بر عقل‌گرایی در حوزه معرفت دینی اضافه شود، از سلفی‌گرایی فاصله گرفته می‌شود (سیدنژاد، ۱۳۹۰: ۱٤۱). سلفیان برای عقل و تفسیر عقلی اهمیتی قائل نیستند و به لحاظ روشی منقولات دینی و احکام شرعی را بر داده‌های علمی و عقلی مقدم می‌شمارند. در این دیدگاه، دانش‌های عقلی بشری فتنه هستند؛ زیرا انسان را از خداوند بی‌نیاز می‌کنند. قبل از هر چیز، عبادت و پرستش خداوند اهمیت دارد و پس از آن تعلم و تعقل در حد ضرورت مهم هستند. این اصل نه تنها در سلفی‌گری قدیم بلکه در نوسلفیسم نیز در عمل، روش شناخت محسوب می‌شود.

محدود کردن دایره توحید و گسترش دایره شرک

توحید و شرک دو مفهوم کلیدی در این گفتمان است که هر چقدر از سلفیسم سنتی به سمت نوسلفیسم جلوتر بیاییم، محدوده توحید تنگ‌تر و در مقابل گستره شرک توسعه یافته و تعداد افرادی که مشرک خوانده می‌شوند، بیشتر می‌شود. در جهان‌بینی سلفی، توحید جایگاه ویژه‌ای داشته و یکی از ارکان و اصول دین تلقی می‌شود. اعلام برائت از شرک و کفر یعنی فرد مسلمان نه تنها باید خود را از هر گونه عقیده و عملی که به کفر و شرک منجر می‌شود، دور کند، بلکه باید از کسانی که عقاید و رفتار شرک‌آمیز دارند، نیز اعلام انزجار کند و خود را از

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.20286/priw-0404129]

تعامل با آنها دور کند. بنابراین، بر مسلمان واجب است که کافر را شناسایی و معرفی کند و این با تکفیر انجام می‌شود. اگرچه از نظر تاریخی، عبدالوهاب در وارد کردن مفهوم «شرک» به ادبیات نقش اساسی دارد، اما عملاً نوسلفی‌ها به علت تقسیم‌بندی همه افراد به موحد و مشرک به سلفی‌های تکفیری معرف شده‌اند. نوسلفی‌ها به‌قدری دایره شرک را گسترده‌اند که هر کسی غیر از خود را دربرمی‌گیرد. شرک و اعمال مغایر توحید نزد سلفیان سنتی، بیشتر شامل توسل به اولیا و پیامبران، گنبدسازی، نذر، شفاعت و زیارت قبور بوده، ولی شرک و کفری که سلفیان جدید به آن معتقدند تقریباً همه شئون زندگی اجتماعی و مدنی شخص را دربرمی‌گیرد. این جریان نه تنها به‌شدت ضد مسیحی و ضد یهودی است، بلکه حتی جهت‌گیری شدید ضد شیعی دارد.

امیرهای جوان جریان‌های نوسلفی با برداشت سطحی و افراطی از متون دینی، به‌راحتی درباره توحید و شرک و مصادیق آن حکم داده و در موارد متعددی خود نیز آن را اجرا می‌کنند. این گونه سلفیسم جدید که می‌توان آن را «خودمرجعی» نامید، درحالی‌که در سلفی‌گری سنتی با تکیه بر نظریه تصویب مجتهدین، نوعی تساهل و تسامح شناختی و عملی را موجب می‌شد، اما این وضعیت در میان نوسلفی‌ها متفاوت است (شریعتی، ۱۳۹۲: ۹۶).

برجسته‌سازی «دگر» شیعی

همان‌گونه که در چهارچوب نظری گفته شد، «ضدیت» یا «دگرسازی» یکی از ویژگی‌های ذاتی هر گفتمانی است. بنابراین، نوسلفیسم به مثابه یک گفتمان نمی‌تواند از این چهارچوب خارج باشد. نوسلفی‌ها به دلیل پیروی از قشری‌گری در مسائل اجتماعی ـ سیاسی، همیشه در بازتولید تعریف خود غیریت‌سازی می‌کنند و پس از غیریت‌سازی خصمانه وجه سیاسی برای آن می‌تراشند و از رابطه تضاد و تقابل که نوعی بینش و منش حذف فیزیکی است، استفاده می‌برند. برای آنان فرقی نمی‌کند که در غیریت‌سازی نیروهای اشغال‌گر، بیگانه باشد یا مردم مسلمان شیعه یا اهل سنت مخالف رادیکالیسم. در قوه مخیله آنان، حربه تکفیر با بهانه‌ای واهی، تنها ابزاری کاربردی برای حذف رقیب است. حریف عقیدتی ـ فرهنگی خود را به یک حریف سیاسی ستیزه‌جو تبدیل می‌کند تا بتوانند در حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های منفی خود که پنداری بیش نیست، جان و حیثیت خود را فدا کنند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

از نظر تاریخی، گفتمان سلفی‌گری، «دگر» خود را درون‌دینی تعریف کرده بود. با ورود استعمارگرایان اروپایی به جهان اسلام، بخشی از جنبش‌های اسلامی و سلفی، اروپایی‌ها یا به تعبیری «صلیبیون» به «دگر» اصلی تبدیل شدند. در دوره فعالیت سلفی‌ها برای مقابله ارتش سرخ در افغانستان نیز «دگر» خارجی پررنگ‌تر بود. هرچند در عمل دگرشیعی پس از انقلاب اسلامی، با غلظت بیشتری وارد گفتمان سلفی‌ها شده بود. در دوره جنبش بیداری عربی، نوسلفیسم با حمایت عوامل خارجی و دولت‌های وهابی منطقه، «شیعه» به دگراصلی نوسلفی‌ها تبدیل شده است (شریعتی، ۱۳۹۲: ۹۷). در حال حاضر، سوریه و عراق صحنه عملیاتی شدن ضدیت نوسلفی‌ها با تشیع بوده است. نوسلفی‌ها برای ترور و جهاد، اقدام به تعریف و تعیین دشمنان کرده‌اند که به طور عمده، شامل سه گروه کافران، مشرکان و منافقان می‌شود. مسیحیان و یهودیان که از آنها با عنوان «صلیبیون» یاد می‌شود، به اتفاق پیروان ادیان دیگر در گروه کافران قرار می‌گیرند. برخی پیروان اهل سنت از جمله منافقان هستند و شیعیان که آنها را «رافضی» می‌نامند، گاه در گروه منافقان و گاه مشرکان می‌گنجند.

ضدیت با تشیع در گفتمان نوسلفیسم به‌حدی شدت دارد که هواداران آن، شیعه را از یهود و نصارا بدتر می‌دانند. زرقاوی شیعیان را چنین معرفی می‌کند: «شیعیان افعی‌های خفته، عقرب‌های مکار خبیث، زهرهای کشنده و دشمنان در کمین نشسته هستند». (الزرقاوی، ۱٤۲۷: ۹۷) ازهمین‌رو، گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه از جمله داعش و جبهه النصره در کشتار غیرسلفی‌ها به‌ویژه شیعیان و علوی‌ها به هر ابزاری متوسل می‌شوند و کشتن آنها را فریضه می‌دانند.

تأکید بر جهاد و تقدس ترور

در تمدن اسلامی، نصوص دین بر رفتار مسلمانان تأثیر اساسی دارد. بنابراین، مذهب تعیین‌کننده رفتار مسلمانان در حوزه جنگ است. به اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق مسلمان، جهاد در اسلام وقتی واجب عینی می‌شود که سرزمین‌های اسلامی مورد تهاجم و تهدید قرار گیرند (جهاد تدافعی). جهاد همچنین دارای قواعد خاص خود از جمله عدم کشتار غیر نظامیان است. جهاد در ایدئولوژی نوسلفیسم از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و از مبانی بنیادین اندیشه آنها به شمار می‌رود، به‌طوری‌که آن را از سایر عبادت‌های دینی مانند نماز، روزه و حج مهم‌تر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.20286/priw-0404129]

می‌دانند. نوسلفی‌ها به هیچ‌کدام از قواعد جهاد پایبند نیستند و کشتار مردم بی‌گناه را نیز مجاز می‌شمارند. در واقع، آنها معتقدند مبارزه علیه رژیم‌های ظالم و فاسد نیز جهاد محسوب می‌شود. بنابراین، جهاد از نظر نوسلفی‌ها در حکم اصول اولیه اسلامی تعبیر شده و ذات و ماهیت جهاد در گفتمان نوسلفیسم ماهیتی ارهابی و هراس‌انگیز دارد (اخلاقی‌نیا، ۱۳۸۹: ١٤). نوسلفی‌ها در کشتار و ترور غیر نظامیان و افراد بی‌گناه را موجه می‌دانند و برای آن توجیهات شرعی می‌تراشند. در واقع، نوسلفی‌ها ترور بی‌گناهان را بر اساس مفهوم فقهی «تترس» توجیه می‌کنند. تترس از واژه «تُرس» آمده است. ترس محفظه‌ای فولادی در دور دسته شمشیر است تا دست شمشیر زن را از ضربه حریف محافظت کند.

در فقه الجهاد، حمله به غیر نظامیان مگر در حالت تترس جایز نیست. یعنی اینکه نظامیان، کودکان، زنان و افراد غیر نظامی را به سپر خود تبدیل کنند (فیرحی، ١٣٨٦: ١٥٢). گفتمان نوسلفیسم آمادگی و انجام «جهاد» را برای مسلمانان واجب عینی شمردند و تأخیر در آن را جایز نمی‌دانند (سیدنژاد، ۱۳۹۱: ۱۸۰). نوسلفی‌ها جهاد را حرکتی دائمی می‌دانند که هیچ وقت متوقف نمی‌شود. همچنین، جهاد می‌تواند آشکار یا پنهان، مسلحانه یا غیر مسلحانه به برپایی حکومت اسلامی کمک کند. جهاد از واژه‌هایی است که با قیام، اقامه دولت اسلامی، دارالاسلام و دارالحرب ارتباط تنگاتنگی دارد. سلفی‌های جدید جهاد را به هر شکل و با هر وسیله‌ای جایز می‌دانند. به عبارت دیگر، انجام هر کاری از طریق مجاری قانونی و رسمی یا غیر رسمی و مخفیانه که با هدف مقابله با کفر و ایجاد دولت اسلامی باشد، جهاد تلقی می‌شود.

از دیگر ممیزات فکری نوسلفی‌گری این است که آنها با استناد به برخی آیات ترور و عملیات انتحاری را یک جهاد فردی و واجب می‌دانند که در فرصت مقتضی باید مسلمان به آن اقدام کند. آنها علاوه بر اینکه ترور کافران محارب را جایز می‌دانند، ترور هر کسی که به هر نحوی از آنها حمایت کند را نیز جایز می‌دانند (سیدنژاد، ۱۳۹۱: ۱۸۱). از منظر این گفتمان، کشتن مخالفان اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان اگرچه به قیمت از دست دادن جان خود، معنایی مقدس پیدا کرده است. از نظر آنان افرادی که به اقدامات انتحاری دست می‌زنند، شهید هستند و مستقیم وارد بهشت برین می‌شوند.

به‌طور خلاصه، نوسلفی‌گری گفتمانی است که وقته‌های مختلف را ذیل نقطه گره‌ای مثبت «توحید» در مقابل نقطه گره‌ای منفی «شرک» مفصل‌بندی کرده و در زنجیره هم‌ارزی، وقته‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

مختلف را معنای خاصی بخشیده و در مقابل دگر صلبیون، غیرسلفی‌ها و شیعیان را قرار داده است. جهاد نیز ابزار عملیاتی شدن این گفتمان است.

سوریه؛ از گفتمان اصلاح‌طلبانه به گفتمان نوسلفیسم

ریشه‌های گفتمان سلفی‌گری در سوریه به پایان قرن نوزدهم و اصطلاحاً «سلفی‌گری اصلاحی» بازمی‌گردد. غالباً جنبش سلفی در سوریه جنبشی اصلاح‌طلبانه و متأثر از اندیشه‌های محمد عبده در مصر بوده است. به این معنا که حرکتی روشن‌گرانه و فرهنگی در مقابل استبداد و عقب‌ماندگی موروثی باقی‌مانده از دوران عثمانی بود. معروف‌ترین رهبران فکری سلفی شامی عبارت بوده‌اند از: شیخ عبدالرحمن الکواکبی، شیخ جمال‌الدین القاسمی و شیخ محمد رشید رضا که دغدغه اصلی آنها سیاست بود. نخستین سازمان پرنفوذ سلفی در سوریه نیز در سال ۱۹۲٤ بنام الجماعه الغری توسط شیخ عبدالغنی الدکار تأسیس شد. جامعه تمدن اسلامی دیگر نهاد سلفی سوری بود که در سال ۱۹۳۰ توسط شخصی به نام احمد مظهر العضمه ایجاد شد (الحاج، ۲۰۱٤: ۱۱۹). در مقابل این جریان، جنبش سلفی سنتی دیگری در سوریه وجود داشت که از اندیشه‌های ابن تیمیه، ابن قیم جوزی و محمد عبدالوهاب متأثر بود. از جمله اعضای سوری آن، محمد ناصرالدین آلبانی (۱۹۱٤ – ۱۹۹۹)، عبدالقادر أرناؤوط و شاگردش محمد عید عباسی بودند. این افراد تلاش گسترده‌ای در نشر ایدئولوژی و اندیشه‌های جریان سلفی‌گری در چهارچوب شرع و قانون و بدون سیاست‌زدگی در سوریه داشته‌اند (أبورمان، ۲۰۱۳: ۱٦۰).

اما ریشه‌های سلفی جهادی در سوریه از درون گروه اخوان المسلمین در دهه ۱۹۳۰ و به‌طور رسمی سال ۱۹٤٥ آغاز شد که مصطفی سباعی به‌عنوان رهبر آن انتخاب شد. تا سال ۱۹٦۳ و وقوع کودتای نظامی حزب بعث، سلفی‌های سوریه به‌عنوان سلفی اصلاح‌طلب همچنان هویت خود را حفظ کردند. لیکن گفتمان سکولار بعثی‌ها در سوریه کم‌کم سلفیسم اصلاح‌گرایانه شامی را به سمت سلفیسم جهادی سوق داد. بعد از شورش‌های مدنی در حماه گروهی از جنبش اخوان المسلمین به رهبری «مروان حدید» روش دیگری را برخلاف رهبران آن از جمله مصطفی سباعی و عطار عصام که طرف‌دار روش مسالمت‌آمیز برای رسیدن به حکومت داشتند، آغاز کردند. مروان حدید که تحصیل‌کرده مصر نیز بود، شدیداً تحت تأثیر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

اندیشه‌های سید قطب قرار گرفت (باروت، ۲۰۰۶: ۲۶۹). وی معتقد بود که تنهاترین روش رهایی از حزب بعث «جهاد» بود. در همین راستا، وی تلاش گسترده‌ای برای جلب نظر اعضای اخوان المسلمین برای مبارزه با دولت انجام داد. عدم موفقیت وی در این امر موجب شد که همراه شاگردانش برای بازپس‌گیری فلسطین (۱۹۶۸-۱۹۷۰) در کنار جنبش فتح به عملیات مسلحانه بپردازند. در چنین شرایطی، وی توانست نخستین جریان جهادی خود را تحت عنوان «الطلیعه المقاتله» (پیش‌گامان رزمنده) تأسیس کند (المولی، ۲۰۱۲: ۵۷۸).

سازمان الطلیعه المقاتله نخستین تجربه گروه جهادی در سوریه است که تنها گزینه تغییر را خشونت و زور می‌دانست. این سازمان طی دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، سطح کنش ضد رژیم خود را بالا برد؛ امری که با تشدید عملیات دولتی به رویارویی گسترده و خون‌بار حماه در سال ۱۹۸۲ و درنهایت به استقرار رهبری اخوان در خارج انجامید (المصطفی، ۲۰۱۳: ۳) .

مشکل اخوان المسلمین با نظام سوریه از زمان قدرت‌گیری حافظ اسد در سوریه شروع شد؛ زیرا سلفی‌های اخوان المسلمین فرقه علوی را رافضی می‌دانند و برای مشروعیت‌بخشی به ادعای مذهبی خود به فتاوی علمای مذهبی از جمله ابوحامد غزالی و ابن تیمیه تأکید می‌کنند. بنابراین، برای سرنگونی حکومت علوی‌ها و ایجاد حکومت اسلامی جهاد را جایز می‌دانند (نجات، ۱۳۹۳). این اختلاف و درگیری‌ها صرفاً مذهبی نبود و رنگ و بوی طایفه‌ای نیز داشت، به‌ویژه که نظام سوریه در کشتار معروف سال ۱۹۸۲، سه مرکز عمده اسلام‌گرایان در حماه، حمص، و ادلب را مورد حمله قرار داد که بسیاری از اسلام‌گرایان رادیکال طی آن کشته شدند (دوستی، ۱۳۹۱: ۲۳۶). درگیری‌های شدید سال ۱۹۸۲، به کشته شدن چند هزار نفر از طرف‌داران اخوان المسلمین منجر شد و اکنون نیز نوسلفی‌ها این کشتار را به جریان‌های حاکم فعلی ربط می‌دهند و درصدد انتقام از طایفه علوی هستند.

به هر ترتیب، سلفی‌های سوریه همانند سایر سلفی‌ها قائل به برپایی حکومت اسلامی بودند، اما شرایط این کار را در سوریه مهیا نمی‌دیدند. سلفی‌ها همچنین نسبت به سکولارها و اقلیت‌ها نگاه منفی و تکفیری داشتند و گاه حملاتی را علیه آنان سامان می‌دادند. سلفی‌های سوریه با آنکه نزد شیوخ دمشق تلمذ کرده بودند، اما مرجعیت آنان را قبول نداشتند و درنهایت شاگردانی چون اسامه الرفاعی، ساریه الرفاعی و محمد نابلسی از اساتید خود جدا شدند؛ زیرا این شیوخ را محافظه‌کار و سازش‌کار قلمداد کردند و بر آنان خرده می‌گرفتند

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

که چرا از صدور فتوای جهاد استنکاف می‌کنند. به عبارت دیگر، سلفی‌های سوریه رویکرد اعتدال‌گرای مشایخ سوری خود را برنتافتند و جذب افکار مشایخ سلفیه جهادی همچون سید قطب و ایمن ظواهری شدند (العبد، ۲۰۱۲).

اواخر دهه ۱۹۷۰ و آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی مصادف با بروز سلفی‌گری جهادی و مسلحانه در سوریه بود. تحولاتی چون اشغال افغانستان توسط شوروی سابق و بعدها جنگ خلیج فارس، انتفاضه مردم فلسطین، ظهور حزب‌الله، کودتای نظامی علیه اسلام‌گرایان الجزایر پس از پیروزی آنها در انتخابات، کشتار مسلمانان بوسنی و هرزگوین، آزادی افغانستان از نیروی شوروی و به‌دنبال آن بازگشت افغان عرب‌ها، فروپاشی شوروی سابق و اشغال عراق موجب احیای تفکر سلفی جهادی در سوریه شد و گروه‌هایی همچون پیش‌گامان رزمنده ظهور یافتند که به مبارزه مسلحانه با نظام برخاستند. با سرکوب این گروه‌ها، سلفیه جهادی ناچار به عقب‌نشینی شد، اما تفکر آن میان بسیاری از جوانان سوری پابرجا بود. به دنبال حمله امریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳، علمایی چون شیخ البوطی فتوای جهاد علیه اشغال‌گران صادر کردند و بسیاری از این جوانان در زمان اشغال عراق، به‌منظور انجام فریضه جهاد به این کشور شتافتند.

با آغاز بحران فعلی در سوریه در مارس ۲۰۱۱، گفتمان نوسلفی جان تازه‌ای گرفت. سلفی‌گری به شکل سنتی در اطراف شهرهای بزرگ مانند حلب و حمص و دمشق (به‌ویژه دوما و حرستا) وجود داشت، اما با آغاز بحران، جریان‌های نوسلفی وارد فاز مسلحانه و انتقام‌جویی از نظام شدند. دلیل این انتقام‌جویی سیاست‌های لاییک و سرکوب‌هایی بود که سلفی‌ها از سوی نظام اسد به‌ویژه در دوران حافظ اسد متحمل شده بودند (الحاج، ۲۰۱٤: ۱۳۷).

به‌طورکلی، گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. جریان‌های رادیکال سلفی که خارج از مرزهای سوریه وارد این کشور شده‌اند که وابسته به سازمان جهانی القاعده هستند و در قالب سازمان‌های متعددی سازماندهی شده‌اند. جبهه النصره در زمره این گروه قرار می‌گیرد و هدف نهایی آن تشکیل دولت اسلامی و ایجاد خلافت خاص سرزمین سوریه است. گروه نوسلفی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) نیز اگرچه در ابتدا به القاعده وابسته بود، اما پس از مدتی داعش خود را از آن جدا و همچنین القاعده هرگونه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.20286/priw-0404129]

وابستگی داعش به خود را رد کرد. هدف نهایی داعش نیز احیای خلافت و تشکیل دولت اسلامی در سراسر سرزمین‌های اسلامی است. دسته دوم گروه‌های نوسلفی داخلی هستند که اغلب عناصر آن تابعیت سوری دارند. این گروه‌ها اگرچه مبانی اصلی رفتار گروه‌های جهادی بین‌المللی را دارند، اما به آن وابسته نیستند. هدف آنها سرنگونی نظام سوریه و درنهایت تشکیل دولت اسلامی مطابق با اصول نوسلفی در داخل سوریه است، از جمله این گروه جبهه اسلامی سوریه است (رامیریث، ۲۰۱٤).

مهم‌ترین گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه

با آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، گروه‌های نوسلفی مختلف در این کشور ایجاد و تأسیس شدند که هرکدام دیدگاه‌های اعتقادی، انگیزه، اهداف، خواسته‌ها و تاکتیک مبارزاتی متفاوتی دارند. از جمله مهم‌ترین این گروه‌ها می‌توان به گروه نوسلفی داعش و گروه جیش الفتح اشاره کرد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

داعش؛ برجسته‌سازی خود و طرد «غیر»

هر گفتمان با طرد عناصر دیگر مضاف بر تعریف خود، هویت عناصر را نیز به تصویر می‌کشد. در این حالت مرزها و شعاع یک گفتمان برجسته و نمایان می‌شود. ازاین‌رو، یک ساخت در تقابل دوگانه میان عناصر، هویت‌های درون خود را مفصل‌بندی می‌کند. آنچه در این مفصل‌بندی حائز اهمیت است، تخاصم میان این عناصر و هویت‌های برساخته است؛ بنابراین، در پرتو این چشم‌انداز خود/ دیگری شکل گرفته و مسئله امنیت برجسته می‌شود. داعش نماینده نوعی گفتمان است که با عنصر مرکزی خشونت مفصل‌بندی شده و هویت ایجاد شده در حذف هویت‌های دیگر است که به صورت کشتار و نابودی ظاهر می‌شود. در واقع، گروه نوسلفی «داعش» را می‌توان به‌عنوان نماینده یک گفتمان با دال مرکزی خشونت، ساخته بحران هویت دانست. گروه داعش که نوعی جماعت با باورهای افراطی و تفسیری خاص از متون دینی است که نوع خودساخته‌ای از هویت دینی را به تصویر کشیده است. داعش تحت تأثیر این هویت با تعریف خود و دیگری و با تأسی از تفسیر خاص از دین خود را برتر از دیگری بازنمایی کرده و در خلال این هویت برساخته به‌عنوان هویت مقاوم در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.20286/priw-0404129]

برابر خوانش دیگر جریان‌های اسلامی قرار گرفته و دست به اعمال خشونت می‌زند. در این زمینه، تفسیر دینی داعش به‌عنوان تفسیر غیر متعارف و رادیکال در برابر دیگر تفسیر اسلامی قرار گرفته است که خود نوعی کنش‌های رادیکال را به همراه آورده است. گروه نوسلفی داعش نیز به دنبال برجسته‌سازی احیای خلافت اسلامی است. آن‌طور که خود مدعی است، در مناطقی از عراق و سوریه اعلام خلافت اسلامی کرده و ابوبکر البغدادی را به‌عنوان خلیفه مسلمین برگزیده است. داعش نمایده یک نظام خودساخته معنایی و هویتی به شمار می‌رود که با اعمال خشونت‌آمیز به دنبال حذف غیر خود است. ازهمین‌رو، هویت جنبه‌ای امنیتی به خود گرفته است و امنیت را تحت عنوان حذف گفتمان‌های متفاوت طبقه‌بندی می‌کند. بنابراین، این امر باعث چرخش نزاع گفتمانی از قالب تعامل و زبانی به خشونت و نظامی‌گری شده است که امروزه در سوریه شاهد آن هستیم.

گروه نوسلفی موسوم به «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) شاخه‌ای از سازمان القاعده است که پس از کشته شدن بن لادن در سال ۲۰۱۱ به گروه‌های فدرالی پراکنده تبدیل شد. ریشه داعش به سازمان «قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین» بازمی‌گردد که توسط ابومصعب زرقاوی در سال ۲۰۰٤ میلادی تأسیس شد. در ژانویه سال ۲۰۰٦ سازمان «القاعده فی بلاد الرافدین» به سرکردگی زرقاوی با گروه‌های به اصطلاح جهادی و سلفی کوچک‌تر ادغام شد تا «مجلس شورای مجاهدین» را تشکیل دهد. پس از آن زرقاوی رهبر القاعده عراق باقی ماند، اما ابوعمر البغدادی ریاست مجلس شورای مجاهدین را بر عهده گرفت (عماد، ۲۰۱۳). پس از هلاکت زرقاوی در سال ۲۰۰٦، ابوحمزه مهاجر به‌عنوان رهبر این گروه تعیین شد. در اکتبر آن سال نیز گروه دولت اسلامی عراق به رهبری ابوعمر البغدادی تشکیل شد. وی در سال ۲۰۱۰، همراه با ابوحمزه المهاجر دیگر رهبر بلندپایه سازمان، در حمله مشترک نیروهای عراقی و امریکایی جان باخت (نجات، ۱۳۹۳). پس از کشته شدن ابوعمر البغدادی، ابراهیم البدری معروف به ابوبکر البغدادی به این سمت رسید. ابوبکر البغدادی امیر دولت اسلامی در عراق در آوریل ۲۰۱۳، در پیامی صوتی ادغام گروه خود با جبهه النصره را تحت عنوان «الدوله الإسلامیه فی العراق والشام» اعلام کرد. اما «الجولانی» سرکرده جبهه النصره و ایمن الظواهری رهبر سازمان بین‌المللی القاعده بلافاصله این مسئله را رد کردند (بکر، ۲۰۱٤). الظواهری بر جدایی این دو گروه تأکید کرد و دولت اسلامی عراق و جبهه النصره در شام را دو گروه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.20286/priw-0404129]

مجزا و مستقل، اولی به رهبری ابوبکر البغدادی در عراق و دومی را به رهبری الجولانی در سوریه دانست (سیف، ۲۰۱٤). داعش با ایمن الظواهری درباره اولویت درگیری، مناطق نفوذ و زمان اعلام خلافت اسلامی به اختلاف رسید. این‌گونه اختلافات باعث شد تا داعش خود را از القاعده جدا اعلام کند و همچنین القاعده هرگونه وابستگی داعش به خود را رد کرد. بر این اساس، داعش به‌عنوان گروهی رادیکال‌تر از القاعده به صورت جدی در دو حوزه عراق و سوریه به فعالیت پرداخت. گروه داعش پس از تصرف مناطق گسترده‌ای از عراق و سوریه، با اعلام خلافت اسلامی، «ابوبکر البغدادی» رهبر این گروه را به‌عنوان خلیفه مسلمانان معرفی کرد و نام دولت خویش را «دولت اسلامی» تغییر داد. به دنبال آن گروه‌های رادیکال اسلامی بسیاری از جمله طالبان پاکستان، انصار بیت‌المقدس در مصر، جندالخلافه در الجزایر، بخشی از افراد جدا شده از گروه امارت اسلامی در قفقاز وغیره، بیعت خود را با این گروه اعلام کردند. پس از تأسیس دولت، داعش اقدام به چاپ اسکناس و سکه‌های دینار و درهم کرد و پاسپورت جدیدی صادر کرد. در کنار چاپ فصلنامه، رادیو و تلویزیون داعش و پلیس وابسته به گروه هم فعالیت خود را آغاز کرده است.

عناصر داعش در سوریه در مناطقی از استان‌های «رقه»، «حلب»، «حومه لاذقیه»، «ریف دمشق»، «دیرالزور»، «حمص»، «حماه»، «حسکه» و «ادلب» پراکنده هستند و در برخی از این مناطق نیز کنترل کامل را به دست گرفته‌اند (طارق، ۲۰۱٤: ۳۸). داعش قدرت خود را بر مناطق مختلف سوریه از جمله مناطق شمال و شمال شرق سوریه حاکم کرده و پست‌های بازرسی در نزدیکی مرز سوریه و ترکیه ایجاد و با دیگر گروه‌های مسلح در سوریه درگیر می‌شود. تصمیم این گروه برای تحت کنترل درآوردن دیگر گروه‌های مسلح در سوریه، به درگیری‌های خون‌باری میان این گروه‌های تروریستی منجر شده است.

جیش الفتح؛ برآیند زنجیره هم‌ارزی

در میدان جنگ داخلی سوریه داعش در مناطق شرقی سوریه و استان‌های رقه و دیرالزور موفقیت‌هایی به دست آورد، اما گروه‌های دیگر مانند جبهه النصره، احرار الشام، فیلق الشام وغیره در مناطق شمال و شمال غربی سوریه نتوانستند به موفقیت قابل توجهی در مقابل ارتش سوریه دست یابند. با ادامه ناکامی‌های این گروه‌ها و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

اختلافـات و درگیـری مـوازی آنها با یکدیگر، ترکیه، عربسـتان و قطر بـرای هماهنگی میان ایـن گروه‌هـا و تجمیـع تـوان آنهـا بـرای تقابـل با نظـام سـوریه و داعـش تـلاش کردند تا آنهـا را بـر اسـاس زنجیـره هم‌ارزی گـرد آورنـد. همان‌گونه کـه در چهارچـوب نظری ذکر شـد، گفتمان‌هـا از طریـق زنجیره هـم‌ارزی، تفاوت‌هـای موجـود در میان عناصـر را از بین می‌برنـد و بـه نوعـی وحـدت و انسـجام میان آنها کمـک می‌کننـد. در نتیجه ایـن هم‌ارزی، گروه‌هـا خصلت‌هـای متفـاوت را از یـاد می‌برنـد و در معنایـی کـه گفتمـان ایجـاد می‌کند، فعـال می‌شـوند. بـه ایـن ترتیـب به‌منظـور تحقـق ایـن هـدف، جیـش الفتـح به‌عنـوان یک اتـاق عملیـات مشـترک میـان گروه‌های نوسـلفی خـارج از داعش در شـمال غربی سـوریه ایجاد شـد.

سازمان جیش الفتح در روز ٢٤ مارس ٢٠١٥ با متحد شدن هفت مجموعه بزرگ از گروه‌های نوسلفی سوریه علیه رقبای خود تشکیل شد. گروه‌های تشکیل‌دهنده جیش الفتح شامل «جبهه النصره»، «احرار الشام»، «جند الاقصی»، «جیش السنه»، «فیلق الشام»، «لواء الحق» و «اجناد الشام» می‌شود. این گروه‌های نوسلفی برای متحد شدن تحت یک عنوان و با فرماندهی نظامی واحد به توافق رسیدند، به گونه‌ای که این دستورات از سوی همه گروه‌های تشکیل‌دهنده آن پذیرفته شود.

جیش الفتح به‌عنوان گروه نوسلفی معتقد به حرکت مسلحانه علیه حکومت سوریه با هدف ادعای برپایی حکومت اسلامی در این کشور است. بر اساس این ایدئولوژی، گروه‌های نوسلفی مذکور تحت عنوان جیش الفتح از مارس ٢٠١٥ فعالیت‌های تروریستی خود در تقابل با نظام سوریه را آغاز کردند. نخستین عملیاتی که پس از تأسیس جیش الفتح، از سوی این گروه در سوریه طرح‌ریزی شد، «جنگ ادلب» بود که نتیجه آن تصرف ادلب در مارس ٢٠١٥ بود، درحالی‌که تنها چهار روز از تأسیس جیش الفتح می‌گذشت. تصرف ادلب را می‌توان در زمره بزرگ‌ترین پیروزی نظامی و استراتژیک گروه‌های تروریستی خارج از داعش، از زمان بحران سوریه از سال ٢٠١٢ دانست. جیش الفتح در ٢٢ آوریل ٢٠١٥، عملیات دیگری با عنوان «معرکه النصر» را برای تصرف شهر استراتژیک جسرالشغور آغاز کرد و پس از سه روز توانست در ٢٥ آوریل وارد این شهر شود و غنائم نظامی بسیاری هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی به‌دست آورد (مقدم، ١٣٩٤).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

گروه‌های نوسلفی سوریه و تقدم ابعاد نظامی ـ ایدئولوژیک بر ابعاد سیاسی

گروه‌های نوسلفی بیش از آنکه دغدغه سیاست و قدرت داشته باشند، دین‌پرست هستند. آنچه در گفتمان نوسلفیسم و نظریه‌پردازان آن مقدم است، اجرای اصیل احکام اسلامی و آموزه اسلام جنگی است و کسی می‌تواند مجری آن باشد که یگانگی خدای واحد را درک کند. برخی از اقدامات جریان‌های نوسلفی در سوریه که در نظر جهانیان چهره ترور دارد و از نظر این گروه‌ها راهبرد تعبیر می‌شوند می‌توان به بمب گذاری، تیراندازی به سوی ایست‌های بازرسی ارتش، تهدید زنان در صورت عدم رعایت حجاب وغیره اشاره کرد. با توجه به این موارد، می‌توان مدعی بود هدف اساسی این گروه‌ها، یعنی تأسیس امارت اسلامی ریشه در همین راهبردها دارد. به تعبیر بهتر، برپایی خلافت اسلامی پیش از آنکه بار سیاسی داشته باشد، بار دینی و نظامی دارد؛ زیرا اجرای شریعت اسلامی و آموزش اسلام مبارز در صدر خواسته مبارزان است (براتی و بیابان‌پیما، ۱۳۹۲: ٦٧).

به‌طورکلی، از اهداف و خواسته‌های مهم گروه نوسلفی جیش الفتح از جمله جبهه النصره سرنگونی اسد و تغییر حکومت است. خواسته مهم دیگر گروه جیش الفتح تأسیس امارت اسلامی در سرزمین سوریه است. هدف اساسی گروه نوسلفی داعش نیز تأسیس خلافت اسلامی در سراسر کشورهای اسلامی است. در این دولت اسلامی علاوه بر آموزش آموزه‌های اسلامی جنگی، طی پاک‌سازی اسلام از بدعت‌های شکل گرفته، احکام شرع مبین یعنی امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر به‌جای انتخابات و تحزب و تشکیل نهادی منسجم از جهادگرایان به‌جای ارتش سازمان‌یافته اجرا خواهد شد.

به‌هر ترتیب، درحالی‌که چهار سال از جنگ داخلی سوریه می‌گذرد و بیش از ۲۰۰ هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند، مردم این کشور روزهای خون‌بارتری را زیر آتش جنگ سپری می‌کنند. از زمان آغاز درگیری‌های مسلحانه در سوریه تاکنون، بیش از نه میلیون نفر آواره شدند. در همین حال، بر اساس آخرین گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، نیمی از این آوارگان را زنان و نیم دیگر را مردان تشکیل می‌دهند. گروه‌های نوسلفی فعال در سوریه علاوه بر قتل شیعیان و علویان به قتل علمای اهل سنت نیز مبادرت می‌ورزند. علامه محمد سعید رمضان البوطی، رئیس اتحادیه علمای بلاد شام، در هنگام تدریس علوم دینیه در مسجد الایمان دمشق به همراه شاگردان خود مورد هجوم ددمنشانه گروه‌های تکفیری قرار

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

گرفت و کشته شد. در این میان، انتشار تصاویر هولناک از شکافتن جسد یک سرباز سوریه و خوردن قلب وی توسط یکی از اعضای گروه‌های نوسلفی، علاوه بر محکومیت شدید سازمان ملل، نگرانی‌های فراوانی در رابطه با واقعیات مربوط به جنگ داخلی سوریه را به دنبال داشت و حیرت افکار عمومی جهانیان در این خصوص برانگیخت. این در حالی است که به موازات چنین اعمال غیر انسانی، تخریب آرامگاه و نبش قبر چهره‌های مطرح مذهبی صدر اسلام از جمله «حجر بن عدی» موجی از خشم و نفرت را در منطقه و در میان مسلمانان جهان از اقدامات شنیع و باورنکردنی جنایتکاران جنگی سوریه به بار آورده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

نتیجه‌گیری

نوسلفی‌ها همانند سلفی‌ها تنها حوزه فرمان‌روایی عقل را فهم مدلولات ظاهری آیات و روایات دانسته و قائل به نقش‌آفرینی عقل در بررسی شرایط جدید زمانی و مکانی نیستند. از منظر این گفتمان، جهاد برای تحقق نظم سیاسی و اجتماعی مطلوب حتی با توسل به عملیات انتحاری جایز است. در واقع، گفتمان نوسلفیسم که خود را سمبل اسلام راستین و تنها عامل تمییز حق از باطل می‌داند، هر امری که به «هژمون شدن» خود و «حذف رقیب» از صحنه منجر شود را لازم می‌داند و کشتن مخالفان اعم از مسلمان و غیر مسلمان، اگرچه به قیمت از دست دادن جان فرد باشد، ضروری تلقی می‌شود. هم‌اکنون، اگرچه رشد سریع نوسلفی‌ها مرهون زمینه‌های سیاسی ـ اجتماعی مساعد در منطقه است، هویت آنها تا اندازه زیادی بر اساس «غیریت‌سازی» با تشیع شکل گرفته است.

در حال حاضر، مهم‌ترین نماینده گفتمان نوسلفیسم در منطقه را گروه‌های «داعش» و «جیش الفتح» در سوریه تشکیل می‌دهند. این گروه‌ها تحت‌تأثیر اندیشه‌های ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب و رویکرد جهادگرانه افراطی سید قطب و نظریه‌پردازان جدید گفتمان نوسلفی از جمله ابوبکر ناجی و محمد بن عبدالله قرار گرفته و هم‌اینک با پشتیبانی برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به یکی از جریان‌های مؤثر و فعال داخلی در بحران سوریه تبدیل شده‌اند و هدف خود را سرنگونی بشار اسد و علویان گرفته‌اند؛ زیرا از نظر آنها علویان رافضی هستند و جهاد را برای سرنگونی حکومت آنها لازم می‌دانند.

گروه نوسلفی داعش برای حاشیه‌رانی نقاط ضعف و برجسته‌سازی نقاط قوت خود تأسیس دولت اسلامی و احیای خلافت اسلامی در سرزمین‌های اسلامی را در دستور کار خود قرار داده است. از طرف دیگر، با اعمال خشونت‌آمیز و کشتار تحت عنوان جهاد به دنبال طرد و حذف غیر خود است. در این پرتو، هویت جنبه‌ای امنیتی به خود گرفته است و امنیت را تحت عنوان حذف گفتمان‌های متفاوت طبقه‌بندی می‌کند. بنابراین، این امر باعث چرخش نزاع گفتمانی از قالب تعامل و زبانی به خشونت و نظامی‌گری شده است که امروزه در سوریه شاهد آن هستیم.

گروه نوسلفی فعال دیگر در سوریه ائتلاف «جیش الفتح» است که برآیندی از زنجیره هم‌ارزی به‌منظور جلوگیری از هژمونی و مقابله با رقبای خود تشکیل شده است. جیش الفتح

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

معتقد به حرکت مسلحانه علیه حکومت سوریه با هدف ادعای برپایی حکومت اسلامی در این کشور است. بر اساس این ایدئولوژی، تعدادی از گروه‌های نوسلفی تحت عنوان جیش الفتح از مارس ۲۰۱۵ فعالیت‌های خود در تقابل با نظام سوریه را آغاز کرده است. به هر ترتیب، مجموعه اقداماتی از قبیل ترور، بمب‌گذاری و کشتار شیعیان که توسط این گروه‌های نوسلفی در سوریه سازماندهی و اجرا می‌شود باعث تشدید و تداوم بحران و گسترش جنگ‌های مذهبی و تسری آن به فراسوی مرزهای این کشور از جمله عراق و لبنان شده است.

نکته حائز اهمیت در بحران سوریه این است که جریان‌ها و معارضانی را که در سوریه در حال نبرد با حکومت اسد هستند، نوسلفی‌هایی تشکیل می‌دهند که به‌شدت مخالف ایران هستند. بدون تردید ایران شیعی از یک سو به دلیل اختلافات ایدئولوژیک و از سوی دیگر حمایت از اسد یکی از مهم‌ترین دشمنان گروه‌های نوسلفی به شمار می‌آید. علاوه بر آن، با توجه به تحولات جاری در سوریه و با عنایت به این نکته که جنگ نوسلفی‌ها در این کشور عملاً جنگ علیه رژیم علوی تفسیر شده و نبرد با ایران و حزب‌الله بخشی از راهبرد جریان‌های نوسلفی در سوریه دنبال می‌شود، این مسئله در بلندمدت می‌تواند دغدغه‌ای اساسی برای امنیت ملی ایران محسوب شود و هم‌زمان عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را در منطقه به چالش بکشاند. در همین راستا، شناخت و پیگیری ماهیت جریان نوسلفیسم از نقطه نظر منافع حیاتی و امنیت ملی برای ایران حائز اهمیت بسیار است. علاوه بر آن، گروه‌های نوسلفی در سوریه نشان داده‌اند که برای رسیدن به قدرت و غلبه بر «دگر» خود یعنی شیعه و سرکوب و طرد آن حاضر به همکاری گسترده با «دگر» اصلی خود یعنی غرب یا به تعبیری «صلیبیون» هستند (نجات‌پور، میلانی و نجات، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.20286/priw-0404129]

کتابنامه

احمدی، حمید (۱۳۸٤)، «جنبش‌های اسلامی و خشونت در خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ش ۱، صص ۳۱ – ٥٦.

احمدی، حمید (۱۳۹۰)، *سیر تحول جنبش‌های اسلامی؛ از نهضت سلفیه سیدجمال تا بیداری اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

اخلاقی‌نیا، مهدی (۱۳۸۹)، «مقایسه اندیشه‌های سلفی اخوان با سلفی‌های تکفیری ـ جهادی»، *فصلنامه راهبردی مطالعات جهان اسلام*، س ۱۱، ش ٤٤، صص ۷ – ۳۳.

افتخاری، اصغر (۱۳۹۰)، *«ارزش (ضد) امنیتی بنیادگرایی؛ با تأکید بر نهضت سلفی ـ وهابی»، بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

براتی، منصور و بیابان‌پیما، مارال (۱۳۹۲)، «اسلام‌گرایی در سوریه و امنیت ملی اسراییل»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسراییل‌شناسی ـ امریکاشناسی*، س ١٤، ش ٤، صص ٥١ – ۸۲.

بشیر، حسن (۱۳۹۰)، *«تاریخ فرهنگی سلفیه: از متن‌گرایی تا زمینه‌گرایی»، بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

پاکتچی، احمد (۱۳۹۰)، *«زمینه‌های تاریخی سلفیه»، بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، *گفتمان و تحلیل گفتمانی*، تهران: فرهنگ گفتمان.

خلجی، عباس (۱۳۸٦)، «ناسازه‌های نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح طلبی (۱۳۷٦–۸٤)»، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

دوستی، محمدمهدی (۱۳۹۱)، «کالبدشکافی مخالفان دولت سوریه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، س ۱۳، ش ٥۰، صص ۲۱۳ – ۲٤۲.

زاهدی، سعید (۱۳۹۱)، *ماضی استمراری: سلفی‌گری در جهان اسلام از وهابیت تا القاعده*، تهران: عابد.

سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸٤)، *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نی.

سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، *فصلنامه علوم سیاسی*، س ۷، ش۲۸، صص ۱٥۳ – ۱۸۰.

سیدنژاد، باقر (۱۳۸۹)، «روند سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، س ۱۳، ش ۱، صص ۹٥ – ۱۲۲.

سیدنژاد، باقر (۱۳۹۱)، «جریان‌شناسی سیاسی سلفی‌گری»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ش۳۱، پاییز، صص ۱٦۹ – ۱۹۲.

شریعتی، شهروز (۱۳۹۲)، «نئوسلفیسم: خنثی‌سازی بیداری اسلامی از درون»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، س ۷، ش‌ش ۱۸ و ۱۹، صص ۷۳ – ۱۱۸.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.20286/priw-0404129]

طیبی، بسام (۱۳۸۹)، *اسلام، سیاست جهانی و اروپا*، (محمود سیفی پرگو)، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۸)، «بنیادگرایی اسلامی و خشونت (با نگاهی بر القاعده)»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۹، ش ٤، صص ۱۰۹ – ۱۲۸.
علی‌زاده موسوی، مهدی (۱۳۹۱)، *سلفی‌گری و وهابیت: تبارشناسی*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
فیرحی، داود (۱۳۸٦)، «مفهوم جنگ و اخلاق نظامی در اسلام شیعی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۸، ش ۱، صص ۱۳۱ – ۱۵۹.
فیرحی، داود (۱۳۹۰)، *فقه و سیاست در ایران معاصر*، تهران: نی.
کپل، ژیل (۱۳۷۵)، *پیامبر و فرعون: جنبش‌های نوین اسلامی در مصر*، (ترجمه حمید احمدی)، تهران: کیهان.
کسرایی، محمدسالار و پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸)، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۳۹، ش ۳، صص ۳۳۹ – ۳٦۰.
محمودیان، محمد (۱۳۹۱)، «تأثیر اندیشه‌های نوسلفیسم بر روند فکری ـ ایدئولوژیک القاعده»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، س ۷، ش ۳، صص ۷۹ – ۱۱٤.
مصطفی، هاله (۱۳۸۲)، *استراتژی دولت مصر در رویارویی با جنبش‌های اسلامی*، تهران: اندیشه‌سازان نور.
مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰)، «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن»، *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، س ۲، ش ۲، صص ۹۱ – ۱۲٤.
مقدم، علی (۱۳۹٤)، «فروپاشی؛ سرنوشت محتوم جیش الفتح»، *اندیشکده راهبردی تبیین*، قابل دسترسی در:
http://tabyincenter.ir/index.php/menu-examples/child-items-5
موثقی، سیداحمد (۱۳۸٦)، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: سمت.
نبوی، سیدعبدالامیر (۱۳۸٤)، «رادیکالیسم اسلامی و ناکامی در ایجاد حکومت آرمانی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، دوره ۲، ش ۲، صص ۱٦۳ – ۱۹۰.
نجات، سیدعلی (۱۳۹۳)، «جریان‌شناسی سلفی‌های جهادی ـ تکفیری در بحران سوریه»، *پایگاه اینترنتی آفتاب*، قابل دسترسی در:
http://www.aftabir.com/articles/view/politics/political_science/c1_1406784283
نجات‌پور، مجید؛ جمیل میلانی و سیدعلی نجات (۱۳۹۳)، «پدیده داعش و شگردهای رسانه‌ای»، *فصلنامه مطالعات رسانه و امت*، س ۱، ش ۱، صص ۸۹ – ۱۰۱.
واعظی، محمود (۱۳۹۰)، *بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه: نظریه‌ها و روندها*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
هوشنگی، لیلا (۱۳۹۰)، «بنیادگرایی و اصلاح‌طلبی: نحوه مواجهه با جایگاه زن در جامعه»، *بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
هیکل، حسنین (۱۳۸۳)، *پاییز خشم*، (محمدکاظم سیاسی)، تهران: ققنوس.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.20286/priw-0404129]

یورگنسن، ماریان، و فیلیپس، لوییز (۱۳۸۹)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، (ترجمه هادی جلیلی)، تهران: نی.
أبو رمان، محمد (۲۰۱۳)، «السلفیه فی مشرق العربی»، بیروت، *مرکز دراسات الوحده العربیه*، لبنان.
البوطی، رمضان (۱۳۷۳)، *سلفیه بدعت یا مذهب*، (ترجمه حسن صابری)، مشهد: آستان قدس رضوی.
الحاج، عبدالرحمن (۲۰۱٤)، «السلفیه والسلفیون فی سوریه: من الإصلاح إلی الجهاد»، *الظاهره السلفیه*، الدوحه: مرکز الجزیره للدراسات، قطر، صص ۱۱۷ – ۱۳۹.
الزقاوی، ابی مصعب (۱٤۲۷)، *کلمات الجامع لخطب و کلمات الشیخ المعتز بدنیه*، جزءالاول، شبکه البراق الاسلامیه.
الشیشانی، مراد بطل (۲۰۰۵)، «التیار السلفی بین التوفیقیه و التلفیقیه»، *جریده الغد الاردنیه*.
العبد، طارق (۲۰۱۲)، «السلفیون فی سوریا... خلاف مع الجمیع بین السلاح والتکفیر»، *جریده السفیر*.
المصطفی، حمزه (۲۰۱۳)، «جبهه النُصره لاهل الشام: من التأسیس إلی الانقسام»، دوحه، سلسله: *دراسات عربیه*، مرکز العربی للابحاث و دراسه السیاسات، العدد ۵، صص ٦۳ – ۷۵، قطر.
المولی، سعود (۲۰۱۲)، *الجماعات الاسلامیه والعنف: موسوعه الجهاد والجهادیین*، دبی، مرکز المسبار للدراسات و البحوث.
باروت، محمد جمال (۲۰۰٦)، «سوریه: اصل و تعرجات الصراع بین المدرستین التقلیدیه والرادیکالیه»، *دمشق، مرکز العربی للدراسات الاستراتیجیه*، سوریه.
بکر، علی (۲۰۱٤)، «المواجهه الصعبه: تداعیات الصراع بین داعش والتیارات الجهادیه فی سوریا»، قاهره، *المرکز الإقلیمی للدراسات الاستراتیجیه*، مصر.
بن محمد، عبدالله (۲۰۱٤)، *المذکره الاستراتیجیه*، الطبعه الاولی، دمشق: دار التمرد.
خواجه، محمد (۲۰۱٤)، «داعش: منابت، أسالیب و تأثیرات»، *فصلیه شؤون الأوسط*، مرکز الدراسات الاستراتیجیه، السنه الرابعه والعشرون، العدد ۱٤۹، صص ۸۵ – ۱۰۵.
رامیریث دیاث، نعومی (۲۰۱٤)، «مستقبل السلفیه المقاتله بسوریا»، الدوحه، *مرکز الجزیره للدراسات*، قطر.
سیف علام، رابحه (۲۰۱٤)، «المسلحون فی سوریا: من قتال الاسد الی القتال البینی»، *قاهره، مرکز الاهرام للدراسات الاستراتیجیه*، مصر.
طارق، قصی (۲۰۱٤)، *الدوله الاسلامیه فی العراق والشام: داعش؟*، بغداد: مطبعه لیث فیصل للطباعه المحدوده.
عطوان، عبدالباری (۱۳۹۱)، *سازمان سری القاعده*، فرزان شهیدی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
عماد، عبدالغنی (۲۰۱۳)، *الحرکات الاسلامیه فی الوطن العربی*، الطبعه الاولی، بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه.
ناجی، أبوبکر (۲۰۰٤)، *إداره التوحش: أخطر مرحله ستمر بها الأمه*، مرکز الدراسات والبحوث الإسلامیه.
Laclau, E. &Mouffe, C, (1985), *Hegemony and socialist strategy: Towards a radical democratic politics*, Verson. London.

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:
نبوی، سیدعبدالامیر؛ نجات، سیدعلی (۱۳۹۳)، «جریان‌شناسی گروه‌های نوسلفی سوریه براساس تحلیل گفتمان» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س ٤، ش ٤، زمستان، صص ۱۲۹-۱٦۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.20286/priw-0404129]

[DOI: 10.20286/priw-0404129] [Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]